

کاربردهای «دعا» در فیلم‌های فارسی و انگلیسی در پرتو الگوی هایمز

رضا پیش‌قدم^{۱*}، فاطمه وحیدنیا^۲

۱. استاد آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
۲. دانشجوی دکتری آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

پذیرش: ۹۳/۱۰/۳۰

دریافت: ۹۳/۷/۲۵

چکیده

با توجه به نقش زبان در شکل‌دهی فرهنگ یک جامعه، پژوهش حاضر بر آن است تا به بررسی کاربردهای دعا در زبان فارسی و انگلیسی بپردازد. جهت تحقق این هدف، ۱۶۸ فیلم فارسی و انگلیسی مشاهده شد و نمونه‌های گویا از دعا کردن یادداشت شد و سپس مورد بررسی قرار گرفت. پس از جمع‌آوری داده‌ها، آن‌ها را با استفاده از مدل هایمز (۱۹۶۷)، مورد کنکاش قرار دادیم. نتایج این تحقیق حاکی از دوبرابر بودن کاربردهای «دعا» در زبان فارسی نسبت به زبان انگلیسی است. افزون بر این، انگیزه‌های افراد از دعا کردن و مراجع آن در دو زبان مشخص گردید. در پایان، دلایلی که منجر به تفاوت‌ها در دو زبان فارسی و انگلیسی شده، مورد بحث قرار گرفت.

واژگان کلیدی: فرهنگ، دعا کردن، مدل SPEAKING هایمز، زبان فارسی، زبان انگلیسی.

۱. مقدمه

دعا کردن^۱ برای دیگری، بخشی از فرهنگ ایرانی است و کمتر گفتمان خیرخواهانه‌ای را می‌توان یافت که بدون بیان دعا در حق دیگری خاتمه یابد. به نظر می‌رسد این موضوع تابع فرهنگ هر جامعه می‌باشد که وفور یا نبود آن بسته به فرهنگ‌های گوناگون، متفاوت است. از طرفی دیگر، دیری است که یکی از دغدغه‌های اصلی جامعه‌شناسان، بررسی تفاوت‌های فرهنگی جوامع مختلف می‌باشد. بدین منظور آن‌ها با بررسی عملکردها، باورها و رفتارهای افراد جامعه در قالب زبان، به ساختارهای آن جامعه پی می‌برند (Vide. Wardhaugh, 2010).

با توجه به اهمیت زبان و واژه‌ها در شکل‌گیری رفتار افراد (Vide. Lakoff, 1987)، آشنایی با برخی گونه‌های زبانی می‌تواند ما را در شناخت بهتر جامعه و فرهنگ یاری نماید. در این راستا پیش‌قدم (۱۳۹۱) ادعان داشته است که برخی گونه‌های زبانی که توسط افراد جامعه استفاده می‌شود، می‌تواند محل مناسبی برای واکاوی فرهنگ آن جامعه باشد. بدین منظور تحقیقات متعددی دربارهٔ نحوهٔ به‌کارگیری هریک از این گونه‌های زبانی، کاربرد و تفاوت‌های آن‌ها در فرهنگ‌های مختلف مورد نیاز است. یکی از این گونه‌های زبانی که نیاز به بررسی و تحقیق دارد، دعا کردن است.

دعا یکی از گونه‌های زبانی است که برای درخواست کردن چیزی از خداوند یا بزرگان دین به کار می‌رود؛ به عبارت دیگر، دعا شامل سخنانی می‌شود که خطاب به خداوند و بزرگان دین هنگام درخواست چیزی گفته می‌شود (نک. انوری، ۱۳۸۱). این سخنان می‌توانند برای خویشتن یا دیگری باشد؛ بدین معنا که ما می‌توانیم برای خود یا دیگری آرزوی خیر، نیکی و تندرستی کنیم (نک. انوری، ۱۳۸۱؛ نفیسی، ۱۳۴۳). بنابراین، با توجه به اهمیت این مقوله، بسامد کاربرد دعا در زبان فارسی و انجام نشدن چنین تحقیقی، این مقاله به بررسی دقیق دعا در جامعه و فرهنگ ایرانی و انگلیسی با توجه به مدل هایمز^۲ (1967) می‌پردازد. افزون بر این، تحقیق حاضر بر آن است که بافت‌های مختلفی را که دعا در آن‌ها به‌کار بسته شده مورد تحلیل قرار داده تا به این پرسش که کاربرد دعا در دو زبان انگلیسی و فارسی چه ابعادی است، پاسخ داده شود.

۲. روش تحقیق

به‌منظور انجام این تحقیق، ۱۶۸ فیلم فارسی (۹۵) و انگلیسی (۷۳) مشاهده شد. سپس گزاره‌های حاوی دعا مورد مطالعه قرار گرفتند. گفتنی است این فیلم‌ها از ژانرهای مختلفی ازجمله اجتماعی، درام، کمدی، علمی تخیلی، وحشتناک و غیره جمع‌آوری شدند. این فیلم‌ها در پانزده سال اخیر ساخته و به نمایش گذاشته شده بودند. جمع‌آوری داده‌های این تحقیق از خرداد ماه ۱۳۹۳ آغاز شد و تا تیرماه ۱۳۹۳ ادامه پیدا کرد، تازمانی‌که اشباع^۲ کامل صورت پذیرفت (اطلاعات جدیدی اضافه نشد) (Vide. Cohen, Manion & Morrison, 2007; Yin, 2010).

همان‌گونه که می‌دانیم زبان هنر آیین‌های است تمام‌نما از زندگی روزمرهٔ افراد یک جامعه که احساسات، باورها، عواطف و عقاید آن‌ها را در قاب هنر به تصویر می‌کشد. بنابراین، به نظر می‌رسد ارزش‌ها و فرهنگ‌های جوامع مختلف را بتوان در رسانه به‌طور عام و در فیلم‌های آن‌ها به‌طور خاص یافت. بنابراین از آن جهت که فیلم‌ها ساختارهای فرهنگی جامعه را در اختیار ما قرار داده و بار اجتماعی و فرهنگی جامعه را به دوش کشیده (Vide. Dahl, 2004; Gunter, 1987; Mininni,

(2007) و از طرف دیگر، امکان دسترسی به پیکره انگلیسی در ایران وجود نداشت، بهترین گزینه برای واکاوی دعا، فیلم‌های انگلیسی بودند.

۱-۲. الگوی پژوهش

در این تحقیق دعا براساس مدل هایمز (1967) مورد بررسی قرار گرفت. مدل هایمز که تاکنون در تحقیقات متعددی (نک. پیش‌قدم و نوروز کرمانشاهی، در حال چاپ؛ پیش‌قدم، وحیدنیا و فیروزیان پوراصفهان، در حال چاپ؛ Small, 2008; Angelelli, 2000) مورد استفاده قرار گرفته است، به پژوهشگر این امکان را می‌دهد که گفتمان‌های مختلف را مورد بررسی قرار داده و عوامل مؤثر بر تعامل میان افراد را بررسی نماید. در این پژوهش دو متخصص آشنا با مدل، به استخراج موارد دعا پرداختند. این عوامل که براساس مدل هایمز به دو گروه تقسیم شده و به اختصار SPEAKING نامیده شده‌اند، به ترتیب ذیل می‌باشند:

۱. موقعیت زمانی و مکانی^۴: با توجه به مکان و زمانی که گفتمان در آن انجام می‌پذیرد، موقعیت یک گفتمان را می‌توان به دو گروه تقسیم‌بندی کرد:

الف) عمومی / رسمی

ب) خصوصی / غیر رسمی

۲. شرکت‌کنندگان^۵: اطلاعات لازم در مورد شرکت‌کنندگان شامل سن، جنسیت، ملیت و ارتباط میان آن‌ها می‌باشد. با در نظر گرفتن وضعیت قدرت و فاصله، شرکت‌کنندگان در یک گفتمان ممکن است در چهار موقعیت مختلف قرار گیرند:

الف) هم‌تراز و غریبه (دو استاد دانشگاه)

ب) هم‌تراز و آشنا (دوست صمیمی)

ج) نابرابر و غریبه (رئیس و کارمند)

د) نابرابر و آشنا (استاد و دانشجو)

۳. هدف^۶: هدف از بیان یک عبارت در یک گفتمان در موقعیت‌های مختلف متفاوت خواهد بود و این هدف با در نظر گرفتن شرایط کلی آن گفتمان، قابل درک می‌باشد. براساس مدل هایمز، نه تنها هدف از انجام یک گفتمان، بلکه هدف هریک از شرکت‌کنندگان نیز لازم است مورد واکاوی قرار گیرد. ۴. ترتیب گفتمان^۷: شامل اطلاعاتی در مورد ترتیب اعمال شرکت‌کنندگان می‌باشد و آن زمانی است که اقدامی از طرف یک شرکت‌کننده زمینه را برای اقدامی از طرف شرکت‌کننده دیگر فراهم می‌کند (Vide. Goffman, 1971). برای بیان ترتیب، بخش‌های گفتمان را می‌توان با توجه به نقش و کارکرد آن‌ها مورد بررسی قرار داد.



۵. لحن^۸: با توجه به موقعیتی که گفتمان در آن انجام می‌پذیرد، لحن شرکت‌کنندگان متغیر خواهد بود و ممکن است لحن‌هایی از قبیل جدی، طعنه‌آمیز، فکاهی، دوستانه، خصمانه، همدردی و یا تهدیدآمیز داشته باشند. اغلب بر این باورند که بین لحن و «نوع گفتمان» ارتباط مستقیم وجود دارد، هرچند به اعتقاد سویل^۹ (2003) برقراری چنین ارتباطی ضروری نیست؛ چرا که گاهی اوقات لطیفه-ای با لحن طعنه‌آمیز بیان می‌شود و یا شخصی با لحن تهدیدآمیز به دیگری تسلیت می‌گوید. بنابراین، آنچه حائز اهمیت است این است که لحن با تغییر در هریک از دیگر عوامل، متغیر خواهد بود (Vide. Saville-Troike, 2003).

۶. ابزار^{۱۰}: ابزار یک گفتمان شامل نحوه بیان آن می‌باشد که به دو دسته نوشتاری و گفتاری تقسیم می‌شود.

۷. قوانین گفتمان^{۱۱}: منظور از قوانین، رفتارهای خاص و مشخصه‌هایی است که به یک گفتمان می‌توان نسبت داد. به عنوان نمونه، قطع کردن حرف دیگری یا رعایت اصول ترتیب در صحبت کردن، با صدای بلند صحبت کردن، زمزمه کردن و غیره، از مشخصه‌های توصیف‌کننده یک گفتمان می‌باشند (Vide. Hymes, 1967).

۸. نوع گفتمان^{۱۲}: شامل مجموعه‌ای از خصوصیات و ساختارهای به هم مرتبط می‌باشد که چارچوبی را برای ایجاد یک گفتمان تشکیل می‌دهند (Vide. Bauman, 2000) و شامل دسته‌بندی‌هایی از قبیل شعر، افسانه، داستان، ضرب‌المثل، دعا، خطابه، نامه، لطیفه، مکالمه و غیره می‌شود (Vide. Hymes, 1967).

۳. نتایج

همان‌گونه که پیشتر ذکر شد، این پژوهش درصدد بررسی چگونگی نمود دعا و تفاوت‌های کاربردی این گفتار در فیلم‌های فارسی و انگلیسی است. نمونه‌های دعا را براساس مدل هایمز بررسی می‌کنیم و در انتها، به مقایسه کاربرد این دعاها در هر دو فرهنگ می‌پردازیم.

۳-۱. بررسی دعا براساس مدل هایمز در فیلم‌های فارسی

۳-۱-۱. موقعیت

بررسی موقعیت‌های متعدد نشان می‌دهد که دعا کردن در دو موقعیت رسمی و غیر رسمی کاربرد دارد ولی کاربرد آن در موقعیت غیر رسمی / خصوصی به مراتب بیشتر است.

الف) رسمی / عمومی

مثال: در دفتر وکالت، (دعاگویی) توسط مادر موکل؛

مادر: خواهش می‌کنم خانم وکیل، پرونده دخترمو قبول کنید.

وکیل: باشه حالا ببینم چی میشه.

مادر: خدا خیرتون بده.

(ب) غیر رسمی / خصوصی

مثال: در مکالمه تلفنی، گفت‌وگوی دوستانه؛

- تولدت مبارک عزیزم، ایشالا صدسال زنده باشی.

- وای ممنون سارا جون!

گفتنی است اغلب، دعا وابسته به مکان و یا زمانی است که شرکت‌کنندگان در آن واقع هستند؛ به‌عنوان نمونه، عبارات «ایشالا امام رضا شفاش بده»، «ایشالله همین امام حسین واسطه برآورده شدن حاجت‌ها بشه»، «نماز قبول باشه»، در اماکن مذهبی مشاهده شد و یا گزاره‌های «نماز و روزه‌ها قبول باشه»، «ایشالله تو این ماه مبارک حاجت‌روا شی»، «اجرت با امام حسین»، «ایشالله ابوالفضل دستگیرت بشه»، در ایام خاصی همچون ماه رمضان و یا ایام محرم و صفر به گوش می‌خورند.

۲-۱-۳. شرکت‌کنندگان

افرادی که دعا می‌کنند و یا مخاطب دعا قرار می‌گیرند، از حیث قدرت و فاصله به چهار گروه مختلف تقسیم می‌شوند:

(الف) هم‌تراز و غریبه:

راننده تاکسی خطاب به مسافر: پدر جان این الگوها رو تو ماشین جا گذاشتین.

مسافر: جَوون خدا به پدر و مادرت خیر بده. ببین خانوم هنوز معرفت تو جَوونا وجود داره. خدا حفظت کنه جَوون.

(ب) هم‌تراز و آشنا:

برادر: داداش خیلی به هم می‌یاین. ایشالله خوشبخت شین.

برادر: مرسی داداش کوچیکه.

(ج) نابرابر و غریبه:

سرگرد: مرحوم با کسی خُرده حسابی نداشت؟

دوست مقتول: اگه هم داشت رو نمی‌کرد، بس که مَرّام داشت. خدا رحمتش کنه، لنگه نداشت.

(د) نابرابر و آشنا:



عروس: مامان جون چی شده؟ خدا بد نده!

مادرشوهر: از قلبمه عزیزم.

عروس: خدا شفاتون بده.

۳-۱-۳. هدف

با نگاهی موشکافانه به گفت‌وگوها و بررسی دقیق آن‌ها از بُعد روان‌شناختی، تعدادی هدف برای دعا مشخص شدند که با «کاربرد»‌های دعا کردن همپوشانی داشته و از این‌رو، در بخش «۳-۴» به‌طور دقیق مورد واکاوی قرار خواهند گرفت.

۳-۱-۴. ترتیب گفت‌وگوها

چنانچه پیشتر ذکر شد، ترتیب گفت‌وگوها شامل مطالعه نقش بخش‌های آن گفت‌وگو می‌باشد؛ به عبارت دیگر، هر جمله از یک گفت‌وگو به‌صورت جداگانه مورد بررسی قرار گرفته و نقش آن تعیین می‌شود. به دلیل محدودیت‌های موجود برای بررسی همه مکالمه‌هایی که در آن‌ها دعا صورت گرفته، در اینجا به تحلیل دو نمونه بسنده می‌کنیم:

الف) موقعیت: گفت‌وگوی خودمانی بین مادر بزرگ و نوه

ش ۱. (درخواست) مادر بزرگ: مادر جون همون قرصمو بده.

ش ۲. (جواب با خنده) نوه: به روی چشم.

ش ۱. (دعا با مهربانی) مادر بزرگ: داغت نبینم مادر.

ب) موقعیت: کارخانه

ش ۱. (پرسش با ناراحتی) نگهبان کارخانه: خانم شوقی دارین برای همیشه میرین؟

ش ۲. (جواب با دلخوری) صاحب کارخانه: آره عاشوری.

ش ۱. (دعا) نگهبان کارخانه: شما با کارگرا خیلی مهربون بودین. ایشالا دست به خاک بزنید، طلا بشه!

ش ۱. (لبخند با ناراحتی).

۳-۱-۵. لحن

لحن‌های مختلفی که در هنگام دعا کردن مورد استفاده قرار می‌گیرند، شامل موارد ذیل می‌باشد:

الف) ترحم‌آمیز؛

• عمر دست خداست عزیزکم؛ ایشالله غم آخرت باشه!

ب) ملتمسانه؛

• خدا عُمَر باعزت بهتون بده آقای قاضی، یه روز دیگه هم بهمون وقت بدین!

- پ) طعنه آمیز؛
- غصه نخور زری جون، ایشالله بخت دختر تو هم به زودی باز شه!
 - ت) اعتراض آمیز / گلایه آمیز؛
 - خدا، عُمرت بده چرا یه زنگ نزدی بگی گرفتیم، برام سند بیارین؟!
 - ث) عصبانی؛
 - همین یه قلمو کم داشتیم که شکر خدا جنسمون جور شد! خدا عاقبت ما رو ختم به خیر کنه!
 - ج) شوخی و خنده
 - میگن زن بلاست، اما مادر الهی هیچ خونه‌ای بی بلا نمونه!
 - چ) توهین آمیز؛
 - بی‌لال از دنیا نری داداش، خدا شفات بده!
 - ح) خونسردانه؛
 - بچه‌ای که هیچ وقت ندیدیش، مُرده. مُرده که مُرده، خدا رحمتش کنه!
 - خ) محترمانه؛
 - حاج آقا خدا عمر باعزت بهتون بده!
 - د) نگران؛
 - پیر شی مادر، کجا بودی تا الان؟؟؟!
 - ذ) تعجب؛
 - وای خدا پدرتو بیمارزه، این چه فیلمی بود بازی کردی؟؟؟!!!
 - ر) شادمانی؛
 - ایشالله سال‌های سال کنار محترم خانوم با دل خوش زندگی کنید!

۳-۱-۶. ابزار

همان‌طور که ذکر شد، نحوه بیان یک گفتمان به دو دسته گفتاری و نوشتاری تقسیم می‌شود. کاربرد دعا عموماً در قالب گفتاری اتفاق می‌افتد. ولیکن در قالب نوشتاری نیز کاربرد بسیار محدودی دارد (چَت، پیامک).

قالب گفتاری؛

مادرزن: راستی، مغازه جدیدت مبارک باشه.

داماد: ممنون.

مادرزن: ایشالله خدا به کارت رونق بده!



قالب نوشتاری؛

پیامک مادری به فرزندش: خیر ببینی مادر، تو راحت دو تا نون بگیر!

۳-۱-۷. قوانین گفتمان

بررسی دعا در گفتمان‌های مختلف نشان می‌دهد که اغلب دعا در بافت‌هایی به کار می‌رود که شرکت‌کنندگان قصد تشکر از دیگری را دارند. به‌طور مختصر به تحلیل دو نمونه می‌پردازیم:

۱. پیرمرد: همیشه لطفاً به نگاهی به ماشینم بندازی جوون؟ هر کاری می‌کنم راه نمی‌فته!

مرد جوان: چشم پدر جان. (شروع به تعمیر ماشین می‌کند) بفرمایید! اینم از ماشینتون.

پیرمرد: دست‌مریزاد! شیر مادرت حلاله باشه.

۲. مادر: همین ظرفا رو بشور، من اصلاً حال ندارم.

دختر: بذار بعداً می‌شورم.

مادر: آگه می‌شوری، الان بشور. (دختر شروع به شستن ظرف‌ها می‌کند).

مادر: ایشالله هرچی تو دلته خدا بهت بده مادر!

۳-۱-۸. نوع گفتمان

نوع گفتمان می‌تواند داستان، افسانه، شعر، لطیفه، خطابه، نامه، ضرب‌المثل، دعا، مکالمه و غیره را دربرگیرد؛ مطالعه گفتمان‌های جمع‌آوری‌شده در این تحقیق نشان می‌دهد که پرکاربردترین نوع گفتمان، گفت‌وگوهای روزمره در قالب اجتماعی است که دعا کردن در آن حادث می‌شود.

۳-۲. کاربردهای دعا

در این بخش بافت‌هایی که دعا در آن‌ها نمود پیدا کرده بود، مورد بررسی قرار دادیم تا انگیزه‌های احتمالی افراد را جویا شویم. نتایج حاکی از این مطلب است که افراد غالباً با داشتن ۱۳ انگیزه از دعا استفاده کرده‌اند:

۱. طول عمر؛

۲. خیر و نیکی دیدن در زندگی؛

۳. سلامت؛

۴. شادی (در عروسی)؛

۵. غم (در مراسم تعزیه)؛

۶. تشکر و قدردانی؛

۷. آرزوی برکت؛

۸. به سلامت زایمان کردن؛

۹. رفع بلا؛

۱۰. رفتن به سفر زیارتی؛

۱۱. طعنه؛

۱۲. تمسخر و استهزاء؛

۱۳. نذر.

۳-۳. بررسی دعا براساس مدل هایمز در فیلم‌های انگلیسی

۳-۳-۱. موقعیت

بررسی موقعیت‌های متعدد نشان می‌دهد که انگلیسی‌زبانان نیز همچون ایرانیان از دعا در دو موقعیت رسمی و غیر رسمی استفاده می‌کنند؛ ولی کاربرد آن در موقعیت غیر رسمی به مراتب بسیار بیشتر است:

الف) رسمی / عمومی

سربازی که ستوانش اجازه مرخصی دوازده روز به او می‌دهد:

Thank you, sir. God bless you!

ب) غیر رسمی / خصوصی

پسری که هنگام مرگ برای دوستش دعا می‌کند:

Dear Lord, please watch over her as you watched over me!

۳-۳-۲. شرکت‌کنندگان

افرادی که دعا می‌کنند و یا مخاطب دعا قرار می‌گیرند، از حیث قدرت و فاصله، به چهار گروه مختلف تقسیم می‌شوند:

الف) هم‌تراز و غریبه؛

فرانچسکو در حال دعا کردن برای مردی است که در جنگ زخمی شده است:

Dear Lord, Defend us in battle. Be our protection against the wickedness and snares of the devil!

ب) هم‌تراز و آشنا؛

ویتی با دوستش درباره پدرش صحبت می‌کند:

My father. He was a big man in the neighborhood -- very well respected. Everybody loved him, God rest his soul.

ج) نابرابر و غریبه؛



کشیش خطاب به کسی که او را دزدیده بود:

May God forgive you for what you've done.

(د) نابرابر و آشنا؛

آلیس قبل از شروع غذا در حضور پدر و مادرش دعا می‌خواند:

God, our Father, Lord and Savior, thank you for your love and favor. Please bless this drink and food we pray. Bless all who.....who shares with us today. Amen!

۳-۳-۳. هدف

با بررسی گفت‌وگوهای حاوی دعا، تعدادی اهداف برای دعا مشخص شدند که با کاربردهای دعا کردن همپوشانی داشته و از این رو در بخش «۶-۴» به‌طور دقیق مورد واکاوی قرار خواهند گرفت.

۳-۳-۴. ترتیب گفت‌وگو

مثال‌های زیر نمونه‌هایی از ترتیب گفت‌وگو در دعا کردن هستند:

1) *Clough stops, rings the doorbell. 'Snap', the door opens to reveal Dave Mackay, a thick set, dark-haired bull of a man, with a thick Scots accent. Clough smiles ear to ear.*

Clough: Jehova's Witness, Dave! May the Lord be with you!

Mackay: Who the bloody hell are you?

Clough: My name's Brian Clough, and I once had the pleasure of playing for England against you in an Under-23 match.

2) *The Saunders and extended family take their seats at the polished mahogany table crammed with turkey, yams, mashed potatoes, and cranberry sauce. They all lower their heads and Lacey leads them in prayer.*

Lacey: Dear Lord, thank you for this bounty. Help us to be tolerant of others - especially the boyfriends and girlfriends of our immediate relations. Amen.

Everyone: Amen.

۳-۳-۵. لحن

لحن‌های مختلفی که در فیلم‌های انگلیسی به هنگام دعا کردن مورد استفاده قرار می‌گیرند، شامل موارد ذیل می‌باشد:

الف. امیدوارانه؛

- *Hope your mom gets better.*

ب. ملتمسانه؛

- *Lord please let him be okay. Please watch over him with your healing hands Lord. Keep him Safe Lord. Keep him safe so that I can hold him once again.*

ب. غمگین؛

• *No man should have to bury his son. It's not natural, and it's a pain I hope none of you ever have to endure.*

پ. خونسردانه؛

• *You think I did not know about you and Sasha? May god rest that poor bastard's soul.*

ت. عصبانی؛

• *May God forgive you for what you've done.*

ث. شوخی و خنده؛

• *Margaret: So, how's the script, lover?*

Kaufman: I shouldn't have taken it. I can't figure out how to make it work. I wanted to do something amazing. I'm full of shit. I don't know. There's no story.

Margaret: Oh, Charlie. Boy. It is a challenging one. God bless you for trying. Man... so did you get anything out of going into the swamp?

ج. شادمانی؛

• *I heard about the wedding. Here you go. A little something for the bride and groom. God bless. You should live and be well.*

چ. جدی

• *For reasons I cannot fathom, the Omaticaya have chosen you. God help us all.*

ح. تعجب

• *That was going to be my question too! WHAT HOT GIRLS?! God bless your overworked heart !!!*

۳-۳-۶. ابزار

براساس آنچه گفته شد، نحوه بیان یک گفتمان به دو دسته گفتاری و نوشتاری تقسیم می‌شود و کاربرد دعا عموماً در قالب گفتاری حادث می‌شود. ولیکن در قالب نوشتاری نیز کاربرد محدودی دارد (نامه).

قالب گفتاری

1) Ann: Oh God forgive me. It's the end of everything—I've got nothing left now, only you. Remember that.

قالب نوشتاری

1) Sam pulls an envelope from his pocket, opens it, and stares down at the letter.
Richard, I cannot go with you or ever see you again. You must not ask why. Just believe that I love you. Go, my darling, and God bless you!
Ilsa



۳-۳-۷. قوانین گفتمان

بررسی دعا در گفتمان‌های مختلف نشان می‌دهد که اغلب دعا در بافت‌هایی به کار می‌رود که شرکت‌کنندگان قصد تشکر از نعمت‌های خداوند (قبل از غذا خوردن) را دارند.

۳-۳-۸. نوع گفتمان

مطالعه گفتمان‌های جمع‌آوری‌شده در این تحقیق نشان می‌دهد که پرکاربردترین نوع گفتمان، گفت‌وگوهای روزمره در قالب اجتماعی است که دعا کردن در آن حادث می‌شود.

۳-۵. کاربردهای دعا

در این بخش بافت‌هایی که دعا در آن‌ها نمود پیدا کرده بود را مورد بررسی قرار دادیم تا انگیزه‌های احتمالی انگلیسی‌زبانان را جویا شویم. نتایج حاکی از این مطلب است که انگلیسی‌زبانان غالباً با داشتن ۷ انگیزه از دعا استفاده کرده‌اند:

۱. طلب بخشش و مغفرت؛

۲. برای متوفی؛

۳. فرزند هنگام یاد از مادرش؛

God rest her soul!

۴. برای گناهکار؛

حضرت عیسی برای گناهکاران طلب بخشش می‌کند:

God, forgive them-they don't know what they're doing!

۵. دعا (سر میز غذا)؛

۶. تشکر از نعمت‌های خداوند:

Dear lord, thank you for your generosity in providing us today with this bountiful feast. Thank you for the many gifts that you have given me. Amen!

۷. درخواست از خداوند:

God, our Father, Lord and Savior, please bless this drink and food we pray.
Thank you for my mother. Please watch over her and keep her safe. Amen!

گفتنی است انگلیسی‌زبانان در بیشتر مواقع دعا‌های پیش از غذای خود را با تشکر از نعمت‌های خدا شروع می‌کنند و با درخواست‌های متعدد از خداوند متعال به پایان می‌رسانند. آن‌ها همچنین در پایان دعای خود از کلمه «آمین» استفاده می‌کنند:

الف. سلامت؛

پدري برای شفای پسرش که در بیمارستان بستری است، دعا می‌کند:

• *I ask you that you may operate through these doctors, and breathe strength into their hands as they work on him. Heal him Lord so that we may one day see his smile again.*

ب. شادی (در مراسم عروسی):

ویتی برای دوستش، لورا، در مراسم عروسی آرزوی خوشبختی می‌کند:

God bless. You should live and be well!

پ. خیر و نیکی دیدن در زندگی:

I just want to say something about Uncle Abram. He was a good man and he always looked out for us since we were little. God bless him and God keep him.

ت. تشکر و قدردانی:

آلکس از دختر دوستش به دلیل آماده کردن حمام برای او تشکر می‌کند:

Alex: Thank you very much, lady. God bless u, lady!

ث. هنگام خطر:

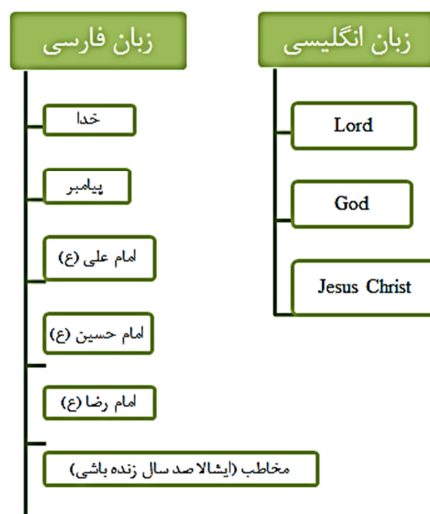
مورتاتی و جان، کشیش‌های یک کلیسا هستند که مورد تعرض دزدان قرار گرفته‌اند. دزدان هر

کشیشی را که متعلق به آن کلیسا است، می‌کشند:

John: You've been informed of the new situation?

Mortati (nods): May God's mercy be upon us!

۳-۶. مراجع دعا در زبان‌های فارسی و انگلیسی



شکل ۱ مراجع دعا در زبان‌های فارسی و انگلیسی



همان‌طور که در شکل «۱» دیده می‌شود، ایرانیان و انگلیسی‌زبانان برای نسبت‌دادن دعا‌های خود، به مذهب خود رجوع می‌کنند. ایرانیان علاوه بر خداوند متعال و پیامبر عظیم‌الشان اسلام (ص)، به ائمه اطهار (ع) و مخاطب دعا نیز به‌عنوان مرجعی برای دعای خود تمسک می‌جویند. این در حالی است که انگلیسی‌زبانان معمولاً دعا‌های خود را به خداوند متعال و حضرت عیسی (ع) ارجاع می‌دهند.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که عنوان شد، با بررسی عملکردها، باورها و رفتارهای افراد جامعه در قالب زبان، می‌توان به فرهنگ و ساختارهای آن جامعه پی برد. بنابراین تحقیق حاضر بر آن بود تا با بررسی فیلم‌های انگلیسی و فارسی به مقایسه دعا در این دو فرهنگ بپردازد. از این رو، به تشریح آن با استفاده از مدل هایمز پرداختیم و هشت بخش آن را به‌صورت مبسوط توضیح دادیم؛ سپس کاربردها و مراجع دعا را در هر دو زبان مقایسه کردیم.

با توجه به واکاوی‌های صورت‌گرفته، به نظر می‌رسد دعا در فرهنگ فارسی تقریباً در هر بافتی حادث می‌شود و فقط هدف از آن، با توجه به بافت مورد استفاده، تغییر می‌کند. از انگیزه‌های غالب افراد در مبادرت به دعا کردن، آرزوی سلامت، برکت، شادی، طول عمر، تشکر و قدردانی، رفع بلا، طلب بخشش و مغفرت و غیره می‌باشد.

همان‌گونه که پیشتر ذکر شد، دعا سخنی است که خطاب به خداوند و بزرگان دین هنگام درخواست چیزی گفته می‌شود (نک. انوری، ۱۳۸۱)؛ حال این سخن می‌تواند برای خویشتن یا دیگری باشد؛ بدین معنا که ما می‌توانیم برای کسی آرزوی خیر، نیکی، بخشش و تندرستی کنیم (نک. انوری، ۱۳۸۱؛ نفیسی، ۱۳۴۳). یافته پژوهش حاضر در این زمینه (کاربردهای عنوان‌شده دعا در فرهنگ فارسی) با تعریف ارائه‌شده بالا هماهنگی دارد. افزون بر این، طلب خیر و نیکی دیدن در زندگی از جمله انگیزه‌های غالب افراد در مبادرت به دعا می‌باشد که با آنچه معین (۱۳۵۳) «دعای خیر» به مفهوم خیر کسی را در دعا خواستن، می‌نامد مطابقت دارد. در همین راستا، انوری (۱۳۸۱) نیز یکی از معانی دعا را که از آن به نام *دعای خیر* یاد کرده است، طلب کردن خیر و نیکی از خداوند برای کسی می‌داند که این تعریف تأییدی بر یکی از کاربردهای یافت‌شده این تحقیق می‌باشد. در نتیجه، نگاهی دقیق به انگیزه‌های افراد از دعا کردن نشان می‌دهد، در مجموع، تقریباً همه این انگیزه‌ها مثبت می‌باشند.

افزون بر این، از منظر نقش مذهب، یافته‌های این پژوهش با یافته‌های تحقیقات پیش‌قدم و نوروز کرمانشاهی (در حال چاپ)، علیجانی (۱۳۸۵) و نصیری، ایزدی‌معز، فلاحتی و شمشانی (۱۳۹۰) مغایرت دارد؛ در پژوهش‌های اخیر، رنگ باختن مذهب در ایران و پایبندی کمتر به اصول دینی،

توسط محققان مورد بررسی قرار گرفته است؛ درحالی‌که نتایج این پژوهش حاکی از اعتقادات مردم ایران می‌باشد.

نکته حائز اهمیت دیگر در مورد دعا کردن این است که ایرانیان و انگلیسی‌زبانان اغلب در قالب گفتاری آن را به کار می‌برند. به نظر می‌رسد دلیل استفاده بیشتر ایرانیان از دعا در گفتار نسبت به نوشتار این مهم باشد که افراد با انگیزه تشکر از مخاطب به دعا کردن مبادرت می‌ورزند که این امر می‌تواند حاکی از قدرشناس بودن ایرانیان باشد.

افزون بر این، افراد گاهی اوقات با انگیزه دریافت پاسخ از مخاطب در قالب کلماتی همچون *انشاءالله* از آن استفاده می‌کنند که این نکته ذکرشده در مورد انگلیسی‌زبانان هم صادق می‌باشد؛ با این تفاوت که انگلیسی‌زبانان کلمه آمین^{۱۳} را به کار می‌برند. گفتنی است نکات ذکرشده در قالب نوشتار کمتر امکان‌پذیر است.

با توجه به کاربردهای دعا در فرهنگ فارسی و انگلیسی درمی‌یابیم که به‌کارگیری دعاکردن در زبان فارسی بسیار وسیع‌تر از زبان انگلیسی است. دو دلیل را می‌توان برای این مورد ذکر کرد:

۱. این یافته بر جمع‌گرا^{۱۴} بودن ایرانیان و دنیای متفاوت شرقی‌ها و غربی‌ها صحه می‌گذارد (نک. پیش‌قدم، ۱۳۹۳). عجیب نیست که در جوامع جمع‌گرایی همچون ایران که برقراری ارتباط بیشتر با افراد جامعه و حفظ آن (Vide. Hofstede, 1991) در اولویت قرار دارد، کاربرد دعا بیشتر از جوامع فردگرای^{۱۵} غربی باشد. از آنجاکه ایرانیان می‌کوشند تا در شرایط گوناگون روابط خود را عمیق و مستحکم کنند، بهره‌گیری از دعا می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد موقعیت‌هایی برای حصول خواسته آن‌ها باشد؛ چرا که در جوامع جمع‌گرا، افراد تمایل به کمک و همکاری با هم‌نوعان خود دارند (Vide. Triandis, 1990). به‌عنوان نمونه، ایرانیان در مساجد و مراسم مذهبی خود به دعاهای دسته‌جمعی مبادرت می‌ورزند و در آن نخست، برای برطرف‌شدن مشکلات یکدیگر دعا کرده که این خود مبین روحیه جمع‌گرایی آن‌ها و توجه به احساسات و نیازهای یکدیگر می‌باشد. حال آن‌که، غربی‌ها بیشتر فردگرا بوده و به تفکرات و احساسات شخصی خود اهمیت بیشتری می‌دهند (نک. پیش‌قدم و مرادی-مقدم، ۱۳۹۲). برای مثال: «خدا پدر و مادرتو پیامرزه»، مبین اهمیت روابط خانوادگی، عواطف و احساسات در فرهنگ ایران می‌باشد. به بیان دیگر، نظر به این‌که در جامعه ایران، والدین نقش اساسی در تربیت فرزندان خود دارند، اگر فرزند کار نیکویی انجام دهد، نخست والدین او مورد قدردانی قرار می‌گیرند که این خود نشان‌دهنده اهمیت ایرانیان به روابط عاطفی و خانوادگی می‌باشد. به‌علاوه، همچنان‌که پیش از این گفته شده، شرقی‌ها به دلیل روحیه جمع‌گرایی خود، وابسته به بافت و غربی‌ها به دلیل داشتن روحیه فردگرایی، مستقل از بافت هستند (Vide. Norenzayan, Incheol & Peng, 2007). از آنجا که غربی‌ها مستقل از بافت بوده، انتظار دارند که هنگام مکالمه با مخاطب خود پیام-

های مفید، مختصر و واضحی را دریافت کنند (Vide. Hall & Hall, 1990). بنابراین طبیعی به نظر می‌رسد که انگلیسی‌زبانان زمانی که کسی لطفی در حقشان انجام می‌دهد، در بیشتر مواقع برای بیان سپاسگزاری خود، به تشکری مختصر و مفید به جای استفاده از دعا در قالب واژه *thank you* بسنده می‌کنند.

۲. همان‌طور که می‌دانیم هریک از افراد جامعه نظام ارزش‌گذاری منحصر به فردی دارد که براساس آن، کارها و تصمیم‌گیری‌های روزمره خود را به انجام می‌رساند. اما افراد یک جامعه به صورت جمعی دارای ارزش‌های فرهنگی مشترکی می‌باشند که از طریق خانواده، رسانه، مدرسه، دولت و غیره به آن‌ها منتقل می‌شوند و ارتباطات و درک و فهم آن‌ها را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد (Qingxue, 2003). نتیجه بالا می‌تواند حاکی از سیستم ارزش‌گذاری ایرانیان باشد؛ بدین معنا که آن‌ها به دلیل اعتقادات مذهبی خود و پایبند بودن به سفارشات بزرگان دین خود، دعا کردن را نوعی ارزش دانسته و برای سپاسگزاری از دیگران از آن بهره می‌جویند؛ زیرا به مسلمانان در دین اسلام به کرات سفارش شده است که برای دیگران دعای خیر کنید تا روزی تان فراوان شود و از بلاها در امان باشید (نک. کلینی، ۱۳۶۴). همچنین در حدیثی وارد شده است که فرشته به فرد دعاکننده می‌گوید: دوبرابر آنچه برای برادر مؤمنات خواستی، برای تو می‌باشد (نک. محمدی ری‌شهری، ۱۳۶۲). بنابراین می‌توان این‌گونه استنباط کرد که شاید احادیث و روایات اسلامی روحیه جمع‌گرایی را در جامعه ایران تقویت نموده و توجه به یکدیگر و روابط انسانی را اصل قرار می‌دهد که این مهم می‌تواند منجر به فزونی استفاده از دعا در فرهنگ ایرانی باشد. افزون بر این، ایرانیان به دلیل داشتن باورهای مذهبی و برخورداری از ادبیاتی که در آن به‌عنوان نمونه ذکر شده است: «تو نیکی کن و در دجله انداز که ایزد در بیابانت دهد باز»، بدون چشم‌داشت از مخاطب خود، دعا را به کار می‌برند؛ چرا که آن‌ها در باور خود از خداوند متعال انتظار پاداش دارند.

با توجه به مراجع دعا در فارسی و انگلیسی درمی‌یابیم که مراجع دعا در زبان فارسی وسیع‌تر از زبان انگلیسی است. در جوامع غربی معمولاً خداوند متعال و حضرت عیسی (ع) در نقش مراجع دعا ظاهر می‌شوند، درحالی‌که در زبان فارسی علاوه بر خداوند، پیامبر عظیم‌الشأن اسلام (ص)، ائمه اطهار (ع) و مخاطب می‌توانند مرجع قسم باشند. این یافته شاید نشان‌دهنده ارتباط مستقیم بین دعا و مذهب باشد؛ بیشتر جامعه ایران را مسلمانان تشکیل می‌دهند که کتاب آسمانی آن‌ها *قرآن* است و در *قرآن* به مسلمانان سفارش شده است که هنگام دعا کردن، پیامبر (ص) و امامان (ع) را واسطه قرار دهید. بنابراین ایرانیان با استناد به *قرآن*، در هنگام دعا کردن از پیامبر (ص) و امامان (ع)، به‌عنوان مرجع دعای خود یاد می‌کنند؛ اما در زبان انگلیسی به‌جز خداوند، تنها حضرت عیسی (ع) می‌تواند مرجع دعا باشد؛ چرا که آن‌ها به ائمه اطهار (ع) اعتقاد ندارند.

در پایان، پیشنهاد می‌شود به‌جای استفاده از فیلم، از روش‌های دیگری همچون پرسش‌نامه و یا مشاهده برای جمع‌آوری داده‌ها بهره برده شود و نتایج آن‌ها با یافته‌های تحقیق حاضر مقایسه گردد.

افزون بر این، پیشنهاد می‌شود- با توجه به این‌که دین اسلام مسلمانان را به دعا کردن دعوت می‌نماید- مسلمانان را با ملیت‌های مختلف دیگر نیز مورد مقایسه قرار داده و تأثیر بافت، جامعه و ملیت بر دعا کردن کنکاش گردد.

۵. پی‌نوشت‌ها

1. praying
2. hymes
3. saturation
4. setting
5. participants
6. ends
7. act sequence
8. key
9. Saville
10. instrumentalities
11. norms
12. genre
13. amen
14. collective
15. individual

۶. منابع

- انوری، حسن (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*. چ ۲. تهران: سخن.
- پیش‌قدم، رضا (۱۳۹۱). «معرفی زیاهنگ، به‌عنوان ابزاری تحول‌گرا در فرهنگ‌کاوی زبان». فصلنامه *مطالعات زبان و ترجمه*. ش ۴. صص ۴۷-۶۱.
- ----- (۱۳۹۳). «آسیب‌شناسی روش‌های جمع‌آوری داده در مطالعات زبانی: گامی به سوی بومی‌سازی روش تحقیق در ایران». *جستارهای زبانی*. ش ۲ (۱۸). صص ۵۵-۷۰.
- ----- و م، مرادی مقدم (۱۳۹۲). «مطالعه اکولوژیک در آموزش زبان: نقش والدین در پیشرفت سطح یادگیری زبان انگلیسی فراگیران». *جستارهای زبانی*. ش ۴ (۴). صص ۳۱-۵۴.
- ----- و پ، نوروز کرمانشاهی (در حال چاپ). «ارتباط میان زبان، مذهب و فرهنگ: تحقیق و تدقیق در کارکردهای لقب حاجی و واژه‌های وابسته در زبان فارسی». *زبان‌پژوهی*.



- -----؛ ف، وحیدنیا و آ، فیروزیان پوراصفهانی (در حال چاپ). «نگاهی جامعه‌شناختی به کنش گفتاری نفرین: مقایسه زبان‌های فارسی و انگلیسی». فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه.
- علیجانی، رضا (۱۳۸۵). *زمان و زمینی برای تمرین*. تهران: کانون آرمان شریعتی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۴). *اصول کافی*. ترجمه جواد مصطفوی. ج ۴. تهران: کتاب‌فروشی علمیه اسلامی.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۶۲). *میزان‌الحکمه*. ج ۳. قم: دفتر تبلیغات.
- معین، محمد (۱۳۵۳). *فرهنگ فارسی*. تهران: فرهنگ‌نما.
- نصیری، فخرالسادات؛ ش، ایزدی‌معز؛ ا، فلاحی و ا، شمشانی (۱۳۹۰). «درونی‌کردن ارزش‌های اسلامی در میان دانش‌آموزان از دیدگاه مربیان تربیتی». نشریه *مهندس فرهنگی*. ش ۵۷-۵۸. صص ۷۴-۸۵.
- نفیسی، علی‌اکبر (۱۳۴۳). *فرهنگ نفیسی*. تهران: کتاب‌فروشی خیام.

References:

- Alijani, R. (2006). *Time and place for practice*. Tehran: Shariati Ideals Institute [In Persian].
- Angelelli, C. (2000). "Interpretation as a communicative event: A look through Hymes' lenses". *Meta*. Vol. 45. n. 4. Pp. 580-592
- Anvari, H. (2002). *Great Encyclopedia of Talk* (2nd ed). Tehran: Sokhan Publication [In Persian].
- Bauman, R. (2000). "Genre". *Journal of Linguistics Anthropology*. Vol. 9. No. 1. Pp. 84-87.
- Cheraghi, M. & H. Molavi (2007). "The relationship between different dimensions of religiosity and general health in students of Isfahan University". *Journal of Educational and Psychological Research of Isfahan University*. Vol. 2. No. 2. Pp. 1-22.
- Cohen, L. & E. Olshtain (1993). "The production of speech acts by EFL learners". *TESOL Quarterly*. Vol. 27. No. 1. Pp. 33-56.
- Cohen, L.; L. Manion & K. Morrison (2007). *Research methods in Education*. New York: Routledge.
- Dahl, G. (2004). "Qualitative analysis of films: Cultural processes in the mirror of film". *Forum: Qualitative Social Research*. 5(2). (Retrieved from

<http://www.qualitative-research.net/index.php/fqs/article/view/593>).

- Fatemi, N.; M. Rezaie; A. Givari & F. Hosseini (2007). "Prayer and spiritual well-being in cancer patients". Payesh. Vol. 5. No. 4. Pp. 295-304.
- Goffman, E. (1971). *Relations in public*. New York: Harper and Row.
- Gunter, B. (1987). *Poor Reception. Misunderstanding and Forgetting Broadcast News*. Hillsdale: Erlbaum.
- Hall, E. T. & M. R. Hall (1990). *Understanding Cultural Differences: German, French and Americans*. Yarmouth, ME: Intercultural Press.
- Hofstede, G. (1991). *Cultures and Organizations: Software of the Mind*. London: McGraw-Hill.
- Hymes, D. (1967). "Models of interaction of language and social setting". *Journal of Social Issues*. Vol. 3. No. 32. Pp. 8-28.
- Johansen, S. H. (2008). *A Comparative study of Gratitude Expressions in Norwegian and English from an Interlanguage Pragmatic and Second Language Acquisition Research Perspective*. (Unpublished master's thesis). The University of Oslo, Norway.
- Lakoff, G. (1987). *Women, Fire and Dangerous Things: What Categories Reveal about the Mind*. Chicago: University of Chicago Press.
- Mininni, G. (2007). *Psicologia e Media* [Psychology and media]. Roma-Bari: Laterza.
- Moein, M. (1974). *Persian Encyclopedia*. Tehran: Farhangnama [In Persian].
- Nafisi, A. (1964). *Nafisi Encyclopedia*. Tehran: Khayyam Publications Book store [In Persian].
- Nasiri, F., Sh. Izadi Moez; A. Falahi & A. Shamkhani (2011). "Internalizing Islamic Values among students from the perspective of training teachers". *Journal of Cultural Engineer*. Nos. 57-58. Pp. 74-85 [In Persian].
- Norenzayan, A.; Ch. Incheol & K. Peng (2007). "Perception and cognition". In S. Kitayama & D. Cohen (eds). *Handbook of cultural Psychology*. (Pp. 569-594). NY: Guilford Press.
- Nursi, S. (2010). *Prayer and healing in Islam*. New Jersey: Tughra Books.
- Pishghadam, R. & M. Moradi Moghadam (2013). "Ecological studies in language teaching: The role of parents in the learning progress of English language learners". *Language Related Research*. 4(4). Pp. 31-54 [In Persian].



- ----- (2012). Introducing “cultuling” as a dynamic tool in culturology of language. *Language and Translation Studies*. No. 4. Pp. 47-61 [In Persian].
- ----- (2014). "An investigation into data collection methods in language studies: A movement towards localizing research in Iran". *Language Related Research*. 5(2). Pp. 55-70 [In Persian].
- ----- & P. Norooz Kermanshahi (In print). "Relationship between language, religion, and culture: A close look into the functions of *Haji* and the related words in Persian". *Language Research* [In Persian].
- Pishghadam, R.; F. Vahidnia & A. Firoozian Pooresfahani (In print). "A Sociological Look into Speech Act of Cursing: A comparison of Persian and English Languages". *Language and Translation Studies* [In Persian].
- Qingxue, L. (2003). "Understanding different cultural patterns or orientations between East and West". *Investigationes Linguisticae*. Vol. 9. Pp. 21-30.
- Rezaei, M.; M. Adib; N. Fatemi F. Hoseini, (2008). "Prayer in Iran cancer patients undergoing chemotherapy". *Complement Ther Clin Prac*. Vol. 14. No. 2. Pp. 90-97.
- Saville-Troike, M. (2003). *The Ethnography of Communication*. (3rd ed). USA: Blackwell Publishing.
- Small, A. (2008). *Evaluation of the Usefulness of Hymes' Ethnographic Framework from a Teacher's Perspective*. Unpublished M. A. thesis. University of Brimingham, UK.
- Triandis, H. C. (1990). "Cross-cultural studies of individualism and collectivism". In J. Berman (eds). *Cross-cultural Perspectives*. (pp. 52-58). Lincoln: University of Nebraska Press.
- Wardhaugh, R. (2010). *An Introduction into Sociolinguistics*. (6th ed). New York, Wiley: Wiley-blackwell.
- Yin, R. K. (2010). *Qualitative Research from Start to Finish*. New York: The Guilford Press.